

یکی از مباحثی که باید در ماهنامه تحقیقی گوهر از این پس مورد توجه قرار گیرد مسائل جغرافیائیست که باید همدوش قضایای تاریخی پیش رود. و از محققان و جغرافی دانان خواستاریم که در این قسمت ما را یاری دهند.



قلعه تاریخی استوناوند (استناباد)

(۳)

مرحوم بهار در مورد وجه تسمیه شهرری و مسمنان در تألیف سبک‌شناسی چنین

مینویسد: ۱۹

وجه تسمیه صحیح شهرری اینست که در اصل این ناحیه را (رذ) گفتندی و (رذ) عبارت از (رثو)ی اوستائی به معنی پیشوای بزرگ است و غالباً زردشت رابه این لقب نام میبرند و فردوسی علیه الرحمه در شاهنامه گوید:

وز آنجا بنوش آذر اندر شدند ،
ردو هیربذ را همه سرزدند .

و (رذ) در اینجا اشاره به خود زردشت است که در بلخ بدست لشکریان ارجاسب کشته شد و جای دیگر سیاوخش را که رتبه نبوت داشته است به این صفت میخواند:

بپوشید درع سیاوخش رد ،
ز ره را گره بر کمر بندزد .

و شهرستان ری از قدیم منسوب به بزرگ زردشتیان بوده است و حکومت آنجا هم با وی و لقب او را اعراب (مصمنان) ذکر کرده اند . سرکب از (مس) به معنی مه ۲۰ و (مغان) جمع مغ یعنی (بزرگ مغان) و گویند او از اولاد ارمائیل وزیر ضحاک بوده که جمعی کثیر را از قتل نجات داد و فریدون او را به این عبارت بستود و گفت: «وس ماناکی ته آزاد کردی» یعنی (بسا خاندانها که تو آزاد کرده) و او را (مس مغان) لقب داد . و عرب

* آقای عبدالرفیع حقیقت (رفیع) از تاریخ نویسان محقق معاصر

مصمغان گوید، و ابو مسلم، مصمغان از قلعه مندین و قصر استوناوند به زیر آورد و آخرین مصمغان رامهدی عباسی به غدربکشت. شهرستان ری و پدشخوارگر از قدیم به اقطاع مصمغان بوده است و از این رو این شهرستان را (رد) خوانده‌اند و یاقوت نیز نام ری را از کلمه (رد) می‌داند، اما گوید (رد) نام گردونه است و وجه اول بنظر صحیح تر می‌آید. چه هر چند گردونه نیز در اصل (رت) و (رد) بوده و (اراده) از همان اصل است، اما شرحی که یاقوت آورده است بدل نمی‌چسبد و بایستی (رد) به مناسبت وجود مصمغان که پیشوای بزرگ زردشتیان بوده بر این شهر که مرکز حکمرانی او بوده است اطلاق گردیده باشد و این لفظ به قاعده که ذکر کردیم (ری) شده است و منسوب به آنجائیز بلاشک (ردی) بذال بوده که (رازی) شده است و اصل نام وی بنابه گفته ابن فقیه که داستان مصمغان هم از او است (صفحه ۲۶۸ - ۲۷۶ طبع لیدن) بورانجیر بود و مردم بهر یو خواندند. به تفصیلی که آورده و بی شک افسانه است. در سکه‌های ساسانی علامت شهر (ری) همان (رد) است یعنی به راودال.

و اما (راگا)ی کتیبه را که ری دانسته‌اند معلوم نیست که به کدام دلیل است و آیا درست خوانده شده یا نه و آیا مراد ری هست یا جای دیگر، محل تأمل است؟»

دکتر حسین کریمان، در کتاب ری باستان، در مورد مصمغان و قلعه استوناوند و ناحیه دماوند اینطور اظهار نظر می‌کند^{۲۱}: آنچه از مجموع مندرجات منابع استنباط می‌گردد آنست که اخبار مربوط به احوال مصمغان و اعمال وی با اخبار سلطانان و پادشاهان و کارهای قائدان سیاسی بیشتر مشابهت و همانندگی دارد تا تکالیف و وظائف مؤبدان و پیشوایان مذهب زردشت، از این رو اگر او را ملك دماوند بنامند. (چنانکه اصفهبدان ملك مازندران بوده‌اند) مناسب تر می‌نساید تا اینکه تنها پیشوای روحانیت بدانند، هر چند کلمه مصمغان که لقب اوست در معنی باکلسه (موبد) فرقی نداشته باشد، اینک دلایل این دعوی: طبری در واقع فتح ری بدسال ۲۲ هجری بدست نعیم بن مقرن ذکر کرده که در پایان چون مردم ری به پایمردی زینبی (زینبیدی) با سپاه عرب صلح افتاد و نعیم امان نامه جهت ایشان بنوشت، مصمغان نیز کس فرستاد و از نعیم صلح طلبید و پذیرفت که جزیه و خراج پردازد، بدان شرط که سپاه اسلام وی را به حال خویش بگذارند و متعرض نشوند. نعیم پذیرفت و امان نامه‌ای جهت وی و مردمش بنوشت. ۲۲ مشابه این گفته در کامل ابن اثیر^{۲۳} و فتوحات الاسلامیه^{۲۴} نیز به اختصار درج شده است.

متن امان نامه نعیم بن مقرن برای مصمغان چنین بوده است: «بسم الله الرحمن الرحيم هذا کتاب من نعیم بن مقرن لمر دانشاه مصمغان دنباوند، و اهل دنباوند و الخوار و اللزر و الشرز. انک امن و من دخل معک علی الکف ان تکف اهل ارضک و تتقی من ولی الفرج

بمائتی الف درهم وزن سبعة فی کل سنة لا یغار علیک ولا یدخل علیک الا باذن ما أقسمت علی
ذلك حتی تغیر ومن غیر فلا عهد له ولالمن لم یسلمه»^{۲۵}

بموجب این امان نامه ، مصمغان پذیرفت که سالانه دوست هزار درهم جزیه
بپردازد و چنانکه زینبی و مردم ری جزیه پذیرفتند و نیز این نامه صراحت دارد که در آن
تاریخ مردم دماوند و خوار و لارز و شرز در اطاعت مصمغان بوده اند .
ابوریحان بیرونی ، در آثار الباقیه ، آنجا که انواع القاب ملوک را بر می شمارد ،
کلمه مصمغان را لقبی برای ملوک دماوند می داند بدین صورت: «.. ملوک جبال طبرستان
(اصفهبند) . ملوک دنباوند (مصمغان) . ملوک غرجستان (شار) . ملوک فرغانه (اخشید) .
ملوک امروشنه «افشین» . ۲۶ ابن اثیر ، در وقایع سال ۱۳۱ هجری در ذکر ابو مسلم چنین
آورده است : «... و کتب الی المصمغان صاحب دنباوند»^{۲۷} و نیز در وقایع سال هجری ،
آنجا که منصور خلیفه دستور فتح طبرستان را به پسر خویش مهدی می دهد ، بمناسبت از
مصمغان چنین یاد کرده :

(... و کان الاصبهبند یومئذ محاربا للمصمغان (ملک دنباوند) معسکرا بازائه...)^{۲۸}
یا قوت حموی نیز ، چنانکه در گذشته نیز نوشته شد ، استوناوند را جایگاه استوار
مصمغان پادشاه آن حدود (ملک تلك الناحیه) دانسته و از وی به وصف (ملک) یاد کرده
است .

بدین ترتیب تردیدی باقی نمی ماند که مصمغان پیش از آنکه یک رهبر دینی و یک
پیشوای مذهبی باشد ، یک پادشاه محلی مقتدری بوده است .
وظیفه دینی وی بدرستی روشن نیست . «

دیاکونف روسی ، پس از اشارت به روایت اوستا ، که زرتشت در ری هم حکومت
روحانی داشته و هم رئیس مغان بوده چنین ذکر کرده است :
«محملا بدین سبب مدتها بعدهم جانشین قدرت جسمانی و غیر روحانی وی در
ناحیه مزبور (رئیس مغان) یامس مغان و به عربی مصمغان کبیر المچوس ، نامیده میشد .
در زمان ساسانیان و حتی در عهد اعراب نیز مالکان فتودال ناحیه دماوند ، در شمال تهران
(که شاید در گذشته اراضی وسیعتری را در تصرف داشتند)
دارای این لقب بودند . اینان بازماندگان پارتی قارن (کارن) محسوب
می گشتند .»^{۲۹}

وی در باب انتساب مغان بدماوند ، در شرح اجرای مراسم تدفین در ماد در
قرنهای هفتم و هشتم قبل از میلاد بوسیله مغان چنین گفته است :

«اجرای این مراسم تدفین را خودمغان به عهده داشتند و این رسم را با خود از میهن
نویس ، از دامندهای دماوند ، آورده بودند» ۳۰

-
- ۱۹ - سبک شناسی تألیف محمد تقی بهار جلد سوم صفحه ۷۵-۷۴
۲۰ - در حال حاضر به زبان سمنانی که باقیمانده زبان پهلوی است ، به شناس بزرگ
میگویند ؛ (مس) و شخص خیلی بزرگ می گویند ؛ (مس تر) ، (تاریخ قومس تألیف رفیع صفحه
(۲۹۳
- ۲۱ - ری باستان تألیف دکتر حسین کریمان مجلد دوم صفحه ۴۸۶
۲۲ - تاریخ طبری جزء چهارم صفحه ۲۵۳ در وقایع سال ۲۲ هجری
۲۳ - کامل ابن اثیر جلد سوم صفحه ۱۲
۲۴ - فتوحات الاسلامیه جلد اول صفحه ۱۳۰ به بعد در وقایع فتح ری
۲۵ - تاریخ طبری جلد چهارم صفحه ۲۵۳
۲۶ - آثار الباقیه صفحه ۱۰۱
۲۷ - کامل ابن اثیر جلد چهارم صفحه ۳۱۸
۲۸ - کامل ابن اثیر جلد چهارم صفحه ۳۶۷
۲۹ - تاریخ ماد تألیف دیاکونف روسی ترجمه کریم کشاورز صفحه ۴۶۳
۳۰ - تاریخ ماد تألیف دیاکونف روسی ترجمه کریم کشاورز صفحه ۴۹۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

توضیح لازم

در قسمت اول مقاله قلعه تاریخی استوناوند (استناباد) سال تصدیق قلعه توسط
مغولان ۶۱۸ بوده است.